

مطابقه در گویش بهبهانی

محمد دبیرمقدم (عضو هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبائی تهران)
شهرام گرامی (دانشجوی دکتری زبان‌شناسی دانشگاه علامه طباطبائی تهران)

چکیده: بهبهانی، گویش قدیمی و غالب مردم شهر بهبهان در جنوب شرق استان خوزستان است و از گروه زبان‌های ایرانی غربی جنوبی به‌شمار می‌آید. در این مقاله پس از ذکر مقدمه و پیشینه تحقیق، سازه‌های دستوری مشارک در نظام مطابقه بهبهانی، یعنی، شناسه‌های فعلی و پی‌بست‌ها یا واژه‌بست‌های فاعلی و مفعولی معرفی می‌شوند. سپس نظام مطابقه در گویش بهبهانی بر پایه الگوهای پنج‌گانه مقاله کامری (۱۹۷۸) بررسی می‌شود. پس از آن، نقش، جایگاه، و میزبان‌های پی‌بست‌های مذکور در دو انگاره مطابقه فاعلی - مفعولی و غیرفاعلی - مفعولی، و گونه‌های پی‌بست‌های ملکی، معرفی می‌شود. یافته‌های این تحقیق در بخش نتیجه‌گیری، نشان می‌دهد که بهبهانی در الگوی اول مطابقه، یعنی انگاره فاعلی - مفعولی مشابه فارسی معاصر است ولی در انگاره غیرفاعلی - مفعولی که به صورت‌های سه‌بخشی^۱، کنایی - مطلق^۲ و پی‌بست مضاعف^۳ ظاهر می‌شود، متفاوت از فارسی معاصر است.

کلیدواژه‌ها: گویش بهبهانی، مطابقه شخص، شناسه‌های فعلی، پی‌بست‌های فاعلی و مفعولی

۱. مقدمه

بهبهان با مساحت ۳۱۹۵ کیلومتر مربع، در جنوب شرقی استان خوزستان قرار دارد. براساس آخرین سرشماری سال ۱۳۹۰، جمعیت این شهرستان حدود ۱۷۹۷۰۳ نفر بوده است که از این تعداد حدود ۱۲۶۳۰۴ نفر در شهر بهبهان ساکن بوده‌اند (سامانه مرکز آمار ایران). هرچند عمده مردم بخش‌ها و روستاهای اطراف بهبهان به گویش‌های لری صحبت می‌کنند، بهبهانی گویش غالب شهر بهبهان است. گویش بهبهانی نیز مانند بسیاری از گویش‌های کنایی ایرانی نو، از سازوکار مطابقت دوگانه^۱ استفاده می‌کند.

در این مقاله قصد بر آن است که به سازوکار مطابقت شخص برای بازنمایی فاعل فعل لازم (S)، فاعل فعل متعدی (A) و مفعول فعل متعدی (P/O) در جمله، بر پایه الگوهای پنج‌گانه معرفی شده در مقاله کامری (1978)، بپردازیم.^۲ به همین منظور، پس از بیان مختصری از پیشینه پژوهش، به معرفی عناصر دستوری مشارک در سازوکار مطابقت شخص، یعنی، شناسه‌های فعلی و پی‌بست‌ها یا واژه‌بست‌های فاعلی و مفعولی پرداخته، سپس به نقش و جایگاه عناصر مذکور در دو انگاره مطابقت فاعلی - مفعولی، و غیرفاعلی - مفعولی می‌پردازیم. پس از معرفی میزبان‌های پی‌بست‌های فاعلی و مفعولی، به توصیف صورت‌های گوناگون پی‌بست‌های ملکی در این گویش نیز اشاره می‌کنیم. در پایان، خلاصه‌ای از یافته‌های این پژوهش به صورت نتیجه‌گیری ارائه می‌شود.

۲. پیشینه پژوهش

در میان گویش‌های ایرانی غربی جنوبی با ویژگی کنایی، بهبهانی گویشی است که از گویش‌های کنایی هم‌رده خود، به لحاظ جغرافیایی فاصله دارد. بنابراین، می‌توان تصور کرد

1. split agreement system

۲. گفتنی است که کامری (1978) و دیکسون (1994) برای بازنمایی فاعل فعل لازم و فاعل فعل متعدی، به ترتیب از نشانه های S و A بهره گرفته‌اند. با وجود این، برای بازنمایی مفعول صریح، کامری از نشانه P و دیکسون از نشانه O استفاده کرده است. نگارندگان در ارائه الگوهای پنج‌گانه کامری، برای بازنمایی مفعول صریح، از دو نشانه P/O بهره گرفته‌اند.

که نظام مطابقت شخص در بهبهانی به لحاظ صرفی، نحوی و آوایی تا حدی از دیگر گویش‌های کُنایی هم‌خانواده خود متفاوت است. از طرفی، تا آنجاکه اطلاع داریم، تحقیقات زبان‌شناختی اندکی در این زمینه صورت گرفته است.

در مقاله «توصیف دستگاه فعل در گویش بهبهانی» (گرامی ۱۳۸۵: ۱۰۸-۱۲۶) پس از معرفی همخوان‌ها و واژه‌ها، به توصیف دستگاه فعل و صورت‌بندی آنها در زمان‌های متفاوت، نقش و جایگاه قرار گرفتن شناسه‌های فعلی، ضمائر پیوسته شخصی، و روابط آنها پرداخته شده است. در این مقاله بیان می‌شود که لازم یا متعدی بودن افعال در زمان‌های حال و گذشته، دو الگوی متفاوت دستوری را، برای صرف افعال به لحاظ شناسه‌های فعلی، ضمائر شخصی پیوسته و حتی ضمائر فاعلی جدا نشان می‌دهد. در الگوی اول، افعال لازم (حال و گذشته) و افعال متعدی (زمان حال)، الگوی دستوری مشترکی را دنبال می‌کنند. در الگوی دوم که شامل افعال متعدی در زمان گذشته می‌شود، شناسه‌ها، ضمائر پیوسته شخصی و ضمائر فاعلی منفصل ویژه‌ای به کار می‌رود. در نهایت نتیجه‌گیری شده که بهبهانی آمیخته‌ای از نظام حالت‌نمایی خنثی و ارکتیو یا کُنایی - مطلق است. در توصیف ضمائر فاعلی جدا یا منفصل، در ساخت‌های متعدی گذشته، ترکیب واژه‌بست فاعلی + ضمائر فاعلی جدا، به عنوان ضمائر فاعلی ویژه یا ضمائر فاعلی منفصل گروه دوم معرفی شده است. همچنین با وجود تفاوت‌های صرفی و نحوی بین واژه‌بست و شناسه، مقاله مذکور، از اصطلاح وند استفاده کرده است.

راستی بهبهانی (۱۳۹۱)، در مقاله‌ای تحت عنوان «بهبهانی؛ گویش یا لهجه»، سعی بر آن دارد تا با بررسی زبان‌شناختی گونه محلی بهبهانی، مشخص کند که این گونه گویش است یا لهجه. او معتقد است که هرچند ساختار اصلی جملات در بهبهانی، از الگوهای زبان فارسی معیار پیروی می‌کند، اما به لحاظ ساخت‌واژی، صرف افعال در بهبهانی، متفاوت از فارسی معیار است و الگوهای خاص خود را دارد. آرایش اجزاء کلام در جمله، همانند فارسی معیار، به صورت فاعل + مفعول + فعل، در نظر گرفته می‌شود. در مقاله نام‌برده، تفاوت‌های صرفی و نحوی میان شناسه‌های فعلی و واژه‌بست‌های شخصی مشخص نیست. به عبارتی دیگر، اصطلاح شناسه برای هر دو مفهوم به کار برده شده است. در انتها، نویسند

نتیجه می‌گیرد که شناسه‌های افعال در این زبان، باتوجه‌به لازم یا متعدی بودن، جایگاه خود را تغییر می‌دهند و حتی تعداد صامت‌ها و مصوت‌ها در بُن فعل متغیر است. بنابراین نتیجه می‌گیرد که بهبهانی از زبان‌های ارگتیو (کُنایی) به‌شمار می‌آید.

حامدی و همکاران (۱۳۹۴ الف)، در مقاله دیگری با عنوان «بررسی و توصیف واژه‌بست‌های ضمیری در گویش بهبهانی»، نقش و کاربرد واژه‌بست‌های ضمیری را در این گویش بررسی کرده‌اند. نقش‌های ذکرشده، عبارت‌اند از فاعلی، مفعول صریح، مفعول غیر صریح و اضافی (ملکی). برای واژه‌بست‌های فاعلی، از نظر نقش دستوری، پانزده میزبان ثبت شده است که عبارت‌اند از: فاعل، مفعول صریح، مفعول غیر صریح، قید، جزء غیر فعلی فعل مرکب، پیشوند استمراری، ضمیر پرسشی، ضمیر مبهم، مسند، پیشوند نفی فعلی، واژه‌بست اضافی (یا ملکی)، واژه‌بست مفعولی غیر صریح، واژه‌بست مفعولی صریح، صفت مفعولی و نهایتاً فعل کمکی خواستن. میزبان‌های واژه‌بست‌های مفعولی صریح، شامل پیشوند امری یا پیشوند فعل پیشوندی، جزء غیر فعلی فعل مرکب، پیشوند استمراری، فعل و پیشوند نفی، و میزبان‌های واژه‌بست‌های مفعولی غیر صریح، مفعول صریح و پیشوند استمراری هستند. واژه‌بست‌های اضافی (یا ملکی) نیز، میزبان‌هایی از نوع فاعل، مفعول صریح و متمم دارند. تمایل غالب واژه‌بست‌ها در این گویش، جایگاه دوم پس از اولین واژه یا سازه در بند است. نویسندگان مذکور عقیده دارند که یکی از تفاوت‌های اصلی و نقطه افتراق گویش بهبهانی با فارسی معاصر، واژه‌بست‌های فاعلی است، زیرا در فارسی معاصر، عنصری تحت عنوان واژه‌بست فاعلی وجود ندارد، در حالی که در بهبهانی، نظامی غنی از این واژه‌بست‌ها با میزبان‌های متنوع وجود دارد. در این مقاله، شباهت اصلی نظام واژه‌بستی گویش بهبهانی با فارسی معیار، در واژه‌بست‌های اضافی است، و از نظر میزبان‌گزینی و جایگاه دستوری، واژه‌بست‌های اضافی، مانند فارسی عمل می‌کنند.

بر پایه نظام پنج‌گانه حالت‌نمایی کامری (1978)، همین پژوهشگران در مقاله دیگری (۱۳۹۴ ب) تحت عنوان «بررسی و توصیف حالت‌نمایی در چهار گویش فارسی خوزستان از منظر رده‌شناسی زبان»، اظهار داشته‌اند که نظام حالت‌نمایی در سه گویش دزفولی،

شوشتری و هندیجانی، فاعلی — مفعولی بوده و در این سه گویش، زمان جمله و وجهیت، جان‌داری و بی‌جانی فاعل یا مفعول تأثیری در نظام حالت ندارند. اما معرفه و نکره بودن مفعول، در ظهور نشانه مفعولی تأثیر مستقیم دارد. گفتنی است، مبتدأبودگی بر اساس دو پیوستار جان‌داری و معرفگی، موضوع مورد علاقه برخی زبان‌شناسان ایرانی بوده است. به‌عنوان نمونه، راسخ‌مهند (۱۳۹۲)، می‌گوید در زبان فارسی، پیوستار جان‌داری بر مطابقه فاعلی تأثیر مستقیم دارد و پیوستار معرفگی بر آن تأثیر غیرمستقیم دارد. اما این پیوستار (یعنی معرفگی)، بر مطابقه مفعولی تأثیر مستقیم دارد و در واقع فقط اسامی معرفه هستند که می‌توانند باعث حضور نشانه مطابقه مفعولی شوند. او می‌افزاید که با کنار هم قرار دادن این یافته، می‌توان گفت مبتدأبودگی هم بر مطابقه فاعلی و هم بر مطابقه مفعولی در زبان فارسی تأثیر دارد. در مقاله‌ای دیگر، راسخ‌مهند (۱۳۸۶)، اظهار داشته است که مفعول‌نمایی افتراقی در ارتباط با جان‌داری، معرفگی یا مشخص‌بودگی، در برخی زبان‌های ایرانی نیز قابل مشاهده است. به دیگر سخن، جان‌داری و معرفگی، در تعیین دریافت یا عدم دریافت نشانه حالت مفعولی، در زبان‌های ایرانی دارای نقش‌اند. با این وصف، حامدی و همکاران (۱۳۹۴ب)، معتقدند که در گویش بهبهانی فقط زمان دستوری، در حالت‌نمایی مؤثر است. در زمان حال و آینده، در بندهای لازم و متعدی، حالت‌نمایی به‌صورت خنثی است. یعنی فاعل فعل لازم، فاعل فعل متعدی و مفعول فعل، از نظر حالت‌نمایی نشانه خاصی ندارند و هر سه بی‌نشان هستند. اما در زمان گذشته، فاعل با یک واژه‌بست غیرفاعلی که میزبان‌های متفاوتی را برمی‌گزیند، مضاعف‌سازی می‌شود، یعنی در زمان گذشته، این گویش از نظام حالت‌کنایی پیروی می‌کند. این الگو در افعال ساده و هم در افعال مرکب حاکم است. در بهبهانی مفعول نشانه را ندارد. آنها می‌افزایند که دو مصدر خواستن و داشتن در بهبهانی، هم در زمان حال و هم در زمان آینده از نظام حالت‌کنایی برخوردارند و حالت‌نمایی در زمان گذشته، همان تجلی دومین الگوی پیشنهادی کریمی (۱۳۹۱) است. یعنی، در الگوی کنایی، فعل با مفعول مطابقه ندارد، بلکه مطابقه بر روی فعل همیشه به‌صورت سوم‌شخص مفرد است.

گفتنی است که کریمی (۱۳۹۲)، در مقاله‌ای تحت عنوان «تبیین نظری دو الگوی رایج در ساخت کُنایی زبان‌های ایرانی بر پایه برنامه کمینه‌گرا»، قائل به دو الگوی رایج است. در الگوی اول، در بندهای متعددی در زمان گذشته، فاعل حالت‌نمای کُنایی / غیرفاعلی و مفعول حالت‌نمای فاعلی می‌پذیرد. در الگوی مذکور، فعل به صورت کامل در مشخصه‌های شخص، شمار و جنس با مفعول مطابقه می‌کند. این الگو در کردی شمالی یا گُرمانجی، بلوچی، تاتی کرینی، تاتی لردی، و تا حدودی تاتی کجلی رایج است. در الگوی دوم، فاعل فعل متعددی حالت کُنایی ندارد، بلکه به وسیله یک واژه بست غیرفاعلی مضاعف‌سازی می‌شود. فعل با مفعول مطابقه ندارد و شکل پیش‌فرض، یعنی وند یا شناسه سوم‌شخص مفرد می‌پذیرد. این الگو در برخی دیگر از زبان‌های ایرانی همچون دشتی، لارستانی، کردی مرکزی یا سورانی، تاتی دروی، تاتی کهلی، و تاتی گیلوانی حاکم است.

جامع‌ترین اثر ارزشمند در زمینه رده‌شناسی زبان‌های ایرانی، بر پایه مقاله کامری (۱۹۷۸)، کتاب رده‌شناسی زبان‌های ایرانی در مجموعه‌ای دوجلدی، تألیف دبیرمقدم (۱۳۹۲) است که بر اساس دو معیار رده‌شناختی ترتیب واژه و کُنایی‌بودگی^۱، علاوه بر بررسی زبان فارسی و سیر تاریخی آن، برخی زبان‌های ایرانی نو از جمله زبان‌های بلوچی، دوانی، لارستانی، تالشی، و فسی، زبان‌های کردی، اورامی، لکی، دلواری، نائینی، شهمیرزادی و تاتی را نیز توصیف و تحلیل کرده است. نویسنده کتاب پس از بررسی و تجزیه تحلیل داده‌های زبانی گردآوری‌شده، نتیجه گرفته است که در میان زبان‌های ایرانی معرفی‌شده در کتاب مذکور، زبان فارسی و شهمیرزادی به لحاظ نظام مطابقه، یکسره فاعلی – مفعولی‌اند. همچنین در میان گونه‌های متفاوت بلوچی در ایران، بلوچی زابلی (یا همان سیستانی) و گونه‌های متفاوت کردی جنوبی (شامل کردی کلهری و کردی کرمانشاهی) نیز نظام مطابقه یکسره فاعلی – مفعولی دارند. دیگر زبان‌های ایرانی نو بررسی‌شده، شامل بلوچی (ایران‌شهری)، دوانی، لارستانی، تالشی، و فسی، کردی (سنندجی و بانه‌ای)، اورامی، لکی، دلواری، نائینی، و تاتی، زبان‌هایی هستند که نظام مطابقه آنها دوگانه است (همان: ۱۲۲۲).

۳. همخوان‌ها، واکه‌ها و نشانه‌های دیگر

در این بخش، پیش از پرداختن به داده‌های تحقیق، جدول همخوان‌ها، واکه‌ها و برخی نشانه‌های دیگر در بهبهانی معرفی می‌شود. گفتنی است که در گویش بهبهانی، مخرج تولید همخوان‌های [ts] و [dz] در تمام بافت‌های آوایی، دندانی - لثوی است. در این گویش، واکه [ā]، اندکی بسته‌تر از همتای آن در فارسی و اندکی بازتر از واکه [o] تولید می‌شود. واکه‌های مرگب [ay]، [ey]، [oy]، [ow] و [uy] نیز، در بهبهانی مشاهده شده است. در آوانگاری، همخوان چاکنایی [ʔ] در آغاز هجا که یک ضرورت آوایی و نه واجی است، نشان داده نشده است.

جدول ۱: همخوان‌ها در بهبهانی

همخوان	معادل فارسی	همخوان	معادل فارسی	همخوان	معادل فارسی
p	پ	f	ف	h	ح
b	ب	v	و	ts	چ
t	ت	s	س	dz	ج
d	د	z	ز	m	م
k	ک	š	ش	n	ن
g	گ	ž	ژ	l	ل
q	ق	x	خ	r	ر
ʔ	همزه (ء-ع)	ʎ	غ	y	ی

جدول ۲: واکه‌ها در بهبهانی

واکه	معادل فارسی	واکه	معادل فارسی
i	ای	u	او
e	کسره	o	اُ
a	آ	ā	آ

نشانه‌های دیگر:

[:] نشانه کشش مصوت، [∅] نشانه تکوژ صفر، / گونه یا مرز دو پاره گفتار، [] آوانویسی، () عنصر درون آن اختیاری است یا تأکید را نشان می‌دهد. نشانه = آغاز واژه‌بست (یا پی‌بست) و نشانه - مرز تکوژ وابسته و یا واج میانجی را نشان می‌دهد. در آوانگاری، چنانچه وند یا پی‌بستی به تکوژهای آزاد اضافه نشده باشد، میان تکوژهای آزاد، فاصله وجود دارد. در شناسه‌های فعلی، عددهای ۱، ۲ و ۳، حرف ش و حروف م و ج، به‌ترتیب به شمار، شخص، مفرد و جمع بودن شناسه فعلی اشاره دارند.

۴. ضمائر شخصی جدا، شناسه‌های فعلی، و واژه‌بست‌ها یا پی‌بست‌های شخصی در این بخش، ابتدا به معرفی ضمائر شخصی جدا، شناسه‌های فعلی و واژه‌بست‌های شخصی فاعلی و مفعولی می‌پردازیم.

۱.۴. ضمائر شخصی جدا

این ضمائر در نقش‌های فاعلی و مفعولی در هر دو الگوی مطابقت فاعلی - مفعولی و غیرفاعلی - مفعولی، صورتی یکسان دارند. روش تشخیص ضمیر فاعلی از ضمیر مفعولی در الگوی اول مطابقت (فاعلی - مفعولی)، به این صورت است که ضمیر فاعلی معمولاً پیش از ضمیر مفعولی ظاهر می‌شود و با فعل مطابقت مستقیم دارد.

جدول ۳: ضمائر جدای فاعلی و مفعولی

	مفرد	جمع
اول شخص	me	mā
دوم شخص	te	šomā
سوم شخص	u	ošū

(۱) ما تو را می‌بینیم.

mā te me-bin-im.

اش ج - بین - اخباری تو را ما

(۲) تو ما را می‌بینی.

te mā me-bin-a.

ش ۲ م - بین - اخباری ما را تو

(۳) آنها می‌آیند.

ošu mi-y-en.

ش ۳ ج - آی - اخباری آنها

در انگاره غیر فاعلی - مفعولی (یعنی، الگوی دوم مطابقه)، واژه‌بست‌ها یا پی‌بست‌های فاعلی جدول ۷، بخش ۵.۴، در رده‌های سه‌بخشی، کنایی - مطلق و غیر فاعلی - غیر فاعلی، به صورت اجباری به سازه آغازین جمله اضافه می‌شوند. در جمله ۴، سازه آغازین جمله، ضمیر فاعلی mā است و با اضافه شدن پی‌بست فاعلی هم‌مرجع با آن، یعنی =me، فاعل مضاعف شده است. مضاعف‌سازی فاعل در الگوی مطابقه دوم، در شرایطی صورت می‌گیرد که ضمیر فاعلی (جدول ۳) و پی‌بست فاعلی هم‌مرجع با خود، در جمله حضور داشته باشند. با وجود این، حضور اجباری واژه‌بست فاعلی در الگوی دوم مطابقه، باعث می‌شود که کاربرد ضمائر فاعلی جدا اختیاری شود. در مثال ۵، ضمیر فاعلی جدا در جمله ظاهر نشده است و ضمیر مفعولی میزبان پی‌بست فاعلی شده است. گفتنی است که در الگوی غیر فاعلی - مفعولی، فعل به هیچ وجه شناسه فاعلی ندارد.

(۴) ما تو را دیدیم.

mā=me te dit.

دید ترا واژه‌بست ۱ ش ج=ما

(۵) تو ما را دیدی.

mā=te dit.

دید واژه‌بست ۲ ش م=ما را

۲.۴. شناسه‌های فاعلی و مفعولی

این شناسه‌ها، در الگوی فاعلی - مفعولی، فاعل فعل لازم، فارغ از هر زمانی، و فاعل فعل متعدی را، در زمان حال، مورد ارجاع قرار می‌دهند (مثال‌های ۱ تا ۳)، و در الگوی غیر فاعلی - مفعولی، رده کنایی - مطلق، به مفعول (صریح/ غیر صریح) اشاره دارند (مثال‌های ۶ تا ۸).

شناسه‌های مفعولی فقط در صورت نبود مفعول اسمی یا ضمیری، در پایان ستاک گذشته فعل متعدی ظاهر می‌شوند.

جدول ۴: شناسه‌های فاعلی و مفعولی

	مفرد	جمع
اول شخص	-am	-im
دوم شخص	-a	-i
سوم شخص	-e: /-ø/ -i/ -u/ -ey	-en

(۶) من شماها را دیدم.

me=m dit-i.

ش ۲ - دید واژه‌بست اش م=من

(۷) دیدمت.

dit=em-a.

ش ۲ م - واژه‌بست اش م=دید

(۸) کمکشان کرده‌ایم.

komay=me kerdij-en.

ش ۳ ج - کرده واژه‌بست اش ج=کمک

۳.۴. واژه‌بست‌های فعلی در صرف فعل‌های ساده متعدی در زمان گذشته ساده

جدول ۵: واژه‌بست‌های صرفی فعل‌های ساده متعدی در زمان گذشته ساده

	مفرد	جمع
اول شخص	=am	=mā
دوم شخص	=et	=tā
سوم شخص	=eš/ =ø/ =ey	=šā

واژه‌بست‌های فعلی جدول ۵، که شبیه پی‌بست‌های صرفی ملکی (جدول ۸) در

بهبهانی هستند، به فاعل جمله اشاره دارند، و به لحاظ دستوری، به طور ثابت، فقط به ستاک گذشته فعل ساده متعدی، در شرایطی که تنها سازه جمله خبری یا پرسشی در حالت مثبت باشد، اضافه می‌شوند. چنانچه فعل متعدی در زمان گذشته، مرکب، پیشوندی یا با پیشوند نفی، منفی شده باشد یا با سازه‌های دیگر جمله ظاهر شده باشد، واژه‌بست‌های نام‌برده به کار نمی‌روند و به جای آنها از واژه‌بست‌های فاعلی جدول ۷ استفاده می‌شود.

(۹) آوردم āvord=am / آوردی āvord=et / آورد āvord=ey

آوردیم āvor=mā / آوردید āvor=tā / آوردند āvor=šā

۴.۴. واژه‌بست‌های فعلی در صرف اسم مفعول فعل‌های ساده متعدی در زمان گذشته نقلی واژه‌بست‌های مذکور نیز، به فاعل جمله دلالت دارند، و مانند واژه‌بست‌های فعلی جدول ۵ به طور ثابت، به ستاک اسم مفعول فعل ساده متعدی در زمان گذشته نقلی، در شرایطی که تنها سازه جمله خبری یا پرسشی مثبت باشد، اضافه می‌شوند. در صورت نبود شرایط مذکور، به جای آنها از واژه‌بست‌های فاعلی جدول ۷ استفاده می‌شود.

جدول ۶: واژه‌بست‌های فعلی در صرف اسم مفعول فعل‌های ساده متعدی در زمان گذشته نقلی

مفرد	جمع
اول شخص =men	=mā
دوم شخص =ten	=tā
سوم شخص =šen	=šā

(۱۰) آورده‌ام āvorde=men / آورده‌ای āvorde=ten / آورده است āvorde=šen

آورده‌ایم āvorde=mā / آورده‌اید āvorde=tā / آورده‌اند āvorde=šā

گفتنی است که به لحاظ تاریخی، تکواژ [-en] در صیغه‌های مفرد، معنی «است» می‌دهد. بنابراین، āvorde=men را می‌توان به لحاظ در زمانی «آورده من است»، یا «من آورده است»، تعبیر کرد.

۵.۴. واژه‌بست‌ها یا پی‌بست‌های فاعلی / مفعولی

پی‌بست‌های فاعلی - مفعولی مفرد، با واکه آغاز می‌شوند. چنانچه میزبان پی‌بست‌های مفرد به واکه پایان یابد، به‌منظور جلوگیری از التقای واکه‌ها، واکه‌های آغازین پی‌بست‌های مفرد، حذف می‌شود و به‌صورت‌های [=y/ =š/ =t/ =m] ظاهر می‌شوند. واژه‌بست سوم‌شخص مفرد، گونه [š=]، نشان‌دار است و در بافت‌های آوایی که سازه میزبان به واکه‌های [i] و [u] پایان می‌یابد، ظاهر می‌شود. در دیگر بافت‌های آوایی، گونه بی‌نشان [=y]، نمود می‌یابد.

جدول ۷: پی‌بست‌های فاعلی / مفعولی

	مفرد	جمع
اول‌شخص	=(a)m	=me
دوم‌شخص	=(e)t	=te
سوم‌شخص	=(e)š/ =(e)y	=še

واژه‌بست‌ها یا پی‌بست‌های فوق، در الگوی فاعلی - مفعولی، در صورت نبود اسم، یا ضمیر منفصل مفعولی، به اولین سازه جمله اضافه می‌شوند و به مفعول (صریح یا غیرصریح) دلالت دارند (مثال ۱۱). این واژه‌بست‌ها، در الگوی غیرفاعلی - مفعولی، به فاعل فعل متعدی اشاره دارند (مثال ۱۲). گفتنی است که در انگاره دوم مطابقت، رده غیرفاعلی - غیرفاعلی هر دو نقش فاعلی و مفعولی را ایفا می‌کنند (مثال‌های ۲۳ تا ۲۵).

(۱۱) به او می‌گوییم.

mi=š-g-am.

ا ش م - گوی - واژه‌بست ۱ ش ۳ م = اخباری

(۱۲) او به من گفت.

u=š a me gā.

گفت من به واژه‌بست ۱ ش ۳ م = او

۵. نقش شناسه‌ها و واژه‌بست‌های فاعلی و مفعولی در الگوهای مطابقت شخص

ارجاع به فاعل یا مفعول را، از طریق شناسه مطابقت مستقیم و از طریق واژه‌بست مطابقت

غیرمستقیم (یا غیر فاعلی / واژه‌بستی) می‌خوانند. دو الگوی کلی مطابقت شخص در بهبهانی، عبارت‌اند از: الگوی مطابقت فاعلی - مفعولی و الگوی مطابقت غیر فاعلی - مفعولی.

۱.۵. الگوی مطابقت فاعلی - مفعولی

الگوی مطابقت فاعلی - مفعولی، ویژگی مطابقت را در فعل‌های لازم، فارغ از هر زمان دستوری، و فعل‌های متعدی در زمان حال نشان می‌دهد. گفتنی است که در گویش بهبهانی، فاعل فعل لازم، فاعل فعل متعدی، و مفعول فعل متعدی، در شکل اسم یا ضمیر جدا، در تمام زمان‌های دستوری، صورت ثابتی دارند. به عبارتی دیگر، حالت‌نمای واحدی (یا صفر) دارند.^۱ بنابراین، در این الگو، مطابقت با فاعل از طریق شناسه فعلی الزامی است (مثال‌های ۱۳ تا ۱۵). همچنین، مفعول اسمی یا ضمیری (P/O) که به لحاظ ترتیب واژه بعد از فاعل نمود می‌یابد، با فعل اصلی مطابقت‌ای ندارد (مثال ۱۴). با وجود این، اگر مفعول فعل متعدی، با اسم یا ضمیر شخصی بازنمایی نشود، به صورت مطابقت غیرمستقیم از طریق واژه‌بست‌های مفعولی بازنمایی می‌شود (مثال ۱۵).

فاعل فعل لازم (S) فعل (زمان حال/گذشته) + شناسه فاعلی
 فاعل فعل متعدی (A) مفعول (P/O) فعل (زمان حال) + شناسه فاعلی
 (بدون مطابقت فعلی / مطابقت غیرمستقیم / غیر فاعلی)

(۱۳) آنها آمدند.

ošu amed-en.

۳ش ج - آمد آنها

(۱۴) من آنها را می‌بینم.

me ošu me-bin-am.

۱ش م - بین - اخباری آنها را من

(۱۵) آنها را می‌بینی.

mi=še-bin-a.

۲ش م - بین - واژه‌بست ۳ش ج = اخباری

۱. مطابق با الگوهای پنج‌گانه کامری (1978)، نظام حالت‌نمایی اسم یا ضمیر در بهبهانی، در این وضعیت خنثی است.

۲.۵. الگوی مطابقه غیرفاعلی - مفعولی

این الگو در بندهای ساخته‌شده با فعل متعدی در زمان گذشته و زمان‌های مشتق از آن بازنمایی می‌شود، و فاعل فعل متعدی (A)، در تمام رده‌های آن، الزاماً به صورت واژه‌بست یا پی‌بست فاعلی ظاهر می‌شود. اما شیوه بازنمایی مفعول فعل متعدی (P/O)، الگوی مطابقه مذکور را به سه رده سه‌بخشی، کُنایی - مطلق و غیرفاعلی - غیرفاعلی تقسیم می‌کند.

۱.۲.۵. رده سه‌بخشی

رده سه‌بخشی، معرف سه نمود متفاوت برای بازنمایی سه سازه بنیادین جمله است. یعنی، (۱) فاعل فعل لازم (S) از طریق شناسه‌های فعلی یا پسوندهای مطابقه فاعلی، بازنمایی می‌شود، (۲) مفعول فعل متعدی به صورت اسم یا ضمیر جدا ظاهر می‌شود و (۳) فاعل فعل متعدی (A) الزاماً به وسیله واژه‌بست فاعلی ظاهر می‌شود. کامری (1989: 125) معتقد است که چنین رده‌ای در میان زبان‌های جهان بسیار نادر است. مثال‌های ۱۶ تا ۱۹ نمودهای (۲) و (۳) را نشان می‌دهند.

فاعل فعل لازم (S)	فعل (زمان حال/ گذشته) + شناسه فاعلی
فاعل فعل متعدی (A)	فعل (ستاک گذشته)
مطابقه غیرفاعلی	اسم یا ضمیر جدا

(۱۶) من تو را دیدم.

te=m dit.

دید واژه‌بست ۱ش م=تورا

(۱۷) کتاب خریدند.

ketāb=še xeri.

خرید واژه‌بست ۳ش ج=کتاب

(۱۸) من علی را دیدم.

me=m Ali dit.

دید علی واژه‌بست ۱ش م=من

(۱۹) شماها ما را دیدید.

šomā=te mā dit.

دید ما را واژه‌بست ۲ش ج=شماها

۲.۲.۵. ردهٔ کُنایی - مطلق

در این رده، فاعل فعل لازم (S) بر اساس الگوی مطابقهٔ فاعلی - مفعولی، از طریق شناسه‌های فاعلی و مفعول صریح یا غیرصریح در فعل‌های متعدی مشتق از زمان گذشته، مطابق با الگوی دوم مطابقه، از طریق شناسه‌های مفعولی ظاهر می‌شود. فاعل فعل متعدی (A) در زمان گذشته نیز، الزاماً به وسیلهٔ واژه‌بست‌های مطابقهٔ فاعلی مورد ارجاع قرار می‌گیرد (مثال‌های ۲۰ تا ۲۲). مطابقه در ردهٔ کُنایی - مطلق، در شرایطی صورت می‌گیرد که مفعول فعل متعدی، به صورت اسم یا ضمیر جدا ظاهر نشود.

فاعل فعل لازم (S)	(مطابقهٔ مستقیم) فعل (زمان حال/ گذشته) + شناسهٔ فاعلی
فاعل فعل متعدی (A)	مفعول (P/O) فعل (ستاک گذشته)
(مطابقهٔ غیرفاعلی)	(شناسه یا مطابقهٔ مستقیم)

(۲۰) من شماها را دیدم.

me=m dit-i.

ش ۲ ج - دید واژه‌بست اش م=م

(۲۱) دیدمت.

dit=em-a.

ش ۲ م - واژه‌بست اش م=دید

(۲۲) کمکشان کرده‌ایم.

komay=me kerdii-en.

ش ۳ ج - کرده واژه‌بست اش ج=کمک

۳.۲.۵. ردهٔ واژه‌بست مضاعف / غیرفاعلی - غیرفاعلی^۱

در این رده، بر اساس مطابقهٔ نوع اول، فاعل فعل لازم (S) از طریق شناسه‌ها یا پسوندهای مطابقهٔ فاعلی نمود می‌یابد. اما در انگارهٔ غیرفاعلی - مفعولی، ردهٔ غیرفاعلی - غیرفاعلی، فعل متعدی، بدون شناسه است. فاعل فعل متعدی (A) و مفعول فعل متعدی، هر دو از طریق مطابقهٔ غیرمستقیم یا غیرفاعلی بازنمایی می‌شوند. به باور کامری (1989: 125) چنین

رده‌ای نیز، در میان زبان‌های جهان، بسیار نادر است. گفتنی است که به‌لحاظ ترتیب واژه، رابطهٔ واژه‌بست‌های غیرفاعلی به دو گونه است. در حالت بی‌نشان، واژه‌بست اول، نقش فاعلی و واژه‌بست دوم، نقش مفعولی دارد (مثال‌های ۲۳ و ۲۴). در صورتی که در حالت نشان‌دار، یعنی زمانی که فعل مرکب تنها سازهٔ جمله باشد، واژه‌بست اول نقش مفعولی و واژه‌بست دوم نقش فاعلی را ایفا می‌کند (مثال ۲۵). بنابراین، ترتیب پی‌بست‌های مذکور، به‌لحاظ نحوی، وابسته به چگونگی چینش اجزای کلام در بند است.

فاعل فعل لازم (S)	(مطابقهٔ مستقیم)	فعل (زمان حال/ گذشته) + شناسهٔ فاعلی
فاعل فعل متعدی (A)	مفعول (P/O)	فعل (ستاک گذشته)
(مطابقهٔ غیرفاعلی)	(مطابقهٔ غیرفاعلی)	

(۲۳) من به آنها کمک کردم.

me=m komay=še ke.

کرد واژه‌بست ۳ش ج=کمک واژه‌بست ۱ش م=من

(۲۴) دیروز کمکمان کردی.

dig=et komay=me ke.

کرد واژه‌بست ۱ش ج=کمک واژه‌بست ۲ش م=دیروز

(۲۵) کمکشان کردیم.

komak=še=me ke.

کرد واژه‌بست ۱ش ج=واژه‌بست ۳ش ج=کمک

۴.۲.۵. الگوی‌های مطابقهٔ نامنظم

در این بخش شاهد مثال‌هایی هستیم که فعل‌های مربوطه، مطابق با دو الگوی کلی مطابقه در بهبهانی عمل نمی‌کنند. فعل‌های کمکی خواستن، داشتن و فعل لازم ترسیدن، در هر دو زمان حال و گذشته، مطابق با الگوی دوم مطابقه عمل می‌کنند. از سوی دیگر، فعل کمکی توانستن و فعل‌های لازم خندیدن و گریستن در زمان حال از الگوی اول مطابقه پیروی می‌کنند ولی در زمان گذشته مطابق با الگوی دوم مطابقه عمل می‌کنند. به‌عنوان نمونه، به مثال‌های زیر توجه شود.

(۲۶) الف. می‌خواهم شماها را ببینم.

mi-t=am be=te-bin-am.

اش م — بین — واژه‌بست ۲ ش ج = التزامی واژه‌بست ۱ ش م = خواه — اخباری

(۲۶) ب. می‌خواستم بروم.

mi=m xās bešam.

اش م — رو — التزامی خواست واژه‌بست ۱ ش م = اخباری

(۲۷) الف. می‌توانم بروم.

me-tun-am be-š-am.

اش م — رو — التزامی ۱ ش م — توان — اخباری

(۲۷) ب. می‌توانستم بروم.

mi=m-tunes be-š-am.

اش م — رو — التزامی توانست — واژه‌بست ۱ ش م = اخباری

(۲۸) الف. گریه می‌کنم.

mi-ger-y-am.

اش م — میانجی — گریه — اخباری

(۲۸) ب. گریه می‌کردم.

mi=m-gereyi.

گریست — واژه‌بست ۱ ش م = اخباری

(۲۹) الف. می‌ترسم.

mi=m tersi.

ترس واژه‌بست ۱ ش م = اخباری

(۲۹) ب. ترسیدم.

mi=m terses.

ترسید واژه‌بست ۱ ش م = اخباری

(۳۰) الف. می‌خندم.

mi-xen-am.

اش م — خند — اخباری

(۳۰) ب. خندیدم.

mi=m xeni.

خندید واژه‌بست ۱ ش م = اخباری

(۳۱) الف. کتاب داری.

ketāb=et he.

دار واژه‌بست ۲ ش. م. کتاب

(۳۱) ب. کتاب داشتی.

ketāb=et bi.

داشت واژه‌بست ۲ ش. م. کتاب

در جمله (۲۶) الف، شناسه فعلی اول شخص مفرد am- با پی‌بست فاعلی اول شخص مفرد یعنی am=، هم‌مرجع است. پی‌بست te= نیز، به مفعول صریح اشاره دارد. بنابراین، شاهد دو پی‌بست غیرفاعلی، در نقش‌های فاعلی و مفعولی هستیم.

۶. انطباق نقش‌های دستوری به لحاظ مطابقت در فعل‌های متعدی

فاعل فعل متعدی (A) ← مفعول (P/O) فعل (ستاک حال)

فاعل فعل متعدی (A) ← مفعول (P/O) فعل (ستاک گذشته)

انگاره فوق انطباقی است بین الگوی فاعلی - مفعولی و الگوی غیرفاعلی - مفعولی. شناسه‌های مطابقت فاعلی، برای بازنمایی فاعل فعل متعدی (A) در زمان حال و فاعل فعل لازم (S) فارغ از هر زمانی، همانند شناسه‌های مطابقت مفعولی، در الگوی غیرفاعلی - مفعولی رده کُنایی - مطلق، برای بازنمایی مفعول صریح یا غیرصریح هستند. از طرفی، واژه‌بست‌هایی که مفعول را در الگوی فاعلی - مفعولی مورد ارجاع قرار می‌دهند، همانند واژه‌بست‌هایی هستند که فاعل را در تمام رده‌های الگوی غیرفاعلی - مفعولی، بازنمایی می‌کنند. دبیرمقدم (۱۳۹۲: ۴۳۱) عنوان می‌کند که انگاره فوق، به روشنی نقش وارونگی کامل را نشان می‌دهد. در نقش وارونگی کامل، انطباق بین نقش‌های دستوری، متقاطع است. در مثال‌های ۳۲ تا ۳۷، بخش الف، معرف شناسه مطابقت فاعلی و پی‌بست ضمیری مفعولی در زمان حال است. بخش ب، نشان‌دهنده شناسه مطابقت مفعولی و پی‌بست ضمیری فاعلی در زمان گذشته است.

(۳۲) الف. او را می‌بینم.

mi=š-bin-am.

اش م — بین — واژه‌بست ۳ اش م = اخباری

(۳۲) ب. او مرا دید.

u=š dit-am.

اش م — دید واژه‌بست ۳ اش م = او

(۳۳) الف. تو مرا می‌بینی.

mi=m-bin-a.

اش ۲ م — بین — واژه‌بست ۱ اش م = اخباری

(۳۳) ب. من تو را دیدم

me=m dit-a.

اش ۲ م — دید واژه‌بست ۱ اش م = من

(۳۴) الف. او تو را می‌بیند.

mi=t-bi-ø.

اش ۳ م (تکواژ صفر) — بین — واژه‌بست ۲ اش م = اخباری

(۳۴) ب. تو او را دیدی.

te=t dit-ey.

اش ۳ م — دید واژه‌بست ۲ اش م = تو

(۳۵) الف. آنها را می‌بینم. *پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی*

mi=še-bin-im.

اش ج — بین — واژه‌بست ۳ اش ج = اخباری

(۳۵) ب. آنها ما را دیدند. *رتال جامع علوم انسانی*

ošu=še dit-im.

اش ج — دید واژه‌بست ۳ اش ج = آنها

(۳۶) الف. ما را می‌بینید.

mi=me-bin-i.

اش ۲ ج — بین — واژه‌بست ۱ اش ج = اخباری

(۳۶) ب. ما شماها را دیدیم.

mā=me dit-i.

اش ۲ ج — دید واژه‌بست ۱ اش ج = ما

(۳۷) الف. آنها را می‌بینیم.

mi=še-bin-im.

۱ش ج — بین — واژه‌بست ۳ش ج = اخباری

(۳۷) ب. آنها ما را دیدند.

ošu=še dit-im.

۱ش ج — دید واژه‌بست ۳ش ج = آنها

۷. میزبان‌های واژه‌بست‌های فاعلی یا مفعولی

۱.۷. در نقش مفعولی مطابق با الگوی فاعلی - مفعولی: واژه‌بست‌های فوق در نقش مفعول صریح و غیرصریح با فعل‌های متعدی زمان حال اخباری، التزامی و در جملات امری، به‌کار می‌روند و به سازه‌های زیر اضافه می‌شوند:

— بعد از ضمیر فاعلی جدا:

(۳۸) من به تو گل می‌دهم.

me=t gol mi-d-am.

۱ش م — ده — اخباری گل واژه‌بست ۲ش م = من

— بعد از مفعول صریح در نقش مفعول غیرصریح:

(۳۹) به من گل می‌دهی.

gol=am mi-d-a.

۲ش م — ده — اخباری واژه‌بست ۱ش م = گل

— در نقش مفعول غیرصریح، بعد از پیشوند فعلی:

(۴۰) به او می‌گویی.

mi=š-g-a.

۲ش م — گو — واژه‌بست ۳ش م = اخباری

— بعد از جزء غیرفعلی فعل مرکب:

(۴۱) سرگرم می‌کنم.

sergarm=et me-kon-am.

۱ش م — کن — اخباری واژه‌بست ۲ش م = سرگرم

— بعد از ضمیر تأکیدی و پی‌بست ملکی:

(۴۲) خودت مرا می‌آوری؟

xo=t=am m-a:r-a.

ش ۲ م — آور — اخباری واژه‌بست ۱ ش م = پی‌بست ۲ ش م = ملکی = خود

— بعد از پیشوند اشتقاقی فعل:

(۴۳) آنها را پیدا کن.

vo= še -dzur.

پیدا کن — واژه‌بست ۳ ش ج = پیشوند امری

— بعد از ضمیر اشاره:

(۴۴) این را بهت می‌گویم.

ye=t mi-g-am.

۱ ش م — گو — اخباری واژه‌بست ۲ ش م = این

— بعد از پیش اضافه:

(۴۵) برایت لباس می‌خرم.

si=t lebās me-xar-am.

۱ ش م — خر — اخباری لباس واژه‌بست ۲ ش م = برای

— بعد از پرسش واژه:

(۴۶) چی بهش می‌دهی؟

ts=e: mi-d-a.

۲ ش م — ده — اخباری واژه‌بست ۳ ش م = چی

در مثال (۴۶)، کشیدگی واکه واژه‌بست سوم شخص مفرد، حاصل ترکیب واکه پسین پرسش واژه و واکه واژه‌بست است.

۲.۷. در نقش فاعلی مطابق با انگاره غیرفاعلی - مفعولی: این واژه‌بست‌ها به سازه‌های زیر

اضافه می‌شوند:

— پیشوند نفی فعل:

(۴۷) نگفتی.

na=t gā.

گفت واژه‌بست ۲ ش م = نشانه نفی

— مفعول صریح:

(۴۸) گُل آوردم.

gol=am āve.

آورد واژه‌بست اش م=گُل

— مفعول غیر صریح:

(۴۹) بهت گُل دادم.

a te=m gol dā.

داد گُل واژه‌بست اش م=تو به

— نشانه صفت مفعولی:

(۵۰) گفته بودم.

goft-e=m bid-a.

۲ اش م - بود واژه‌بست اش م=نشانه صفت مفعولی - گفت

— قید:

(۵۱) آرام آوردم (آن را).

yevāš=am āve-ø.

۳ اش م (تکواژ صفر) - آورد واژه‌بست اش م=آرام

— بعد از جزء اول فعل مرکب:

(۵۲) بلند کردم (آن را).

rās=am ke-ø.

۳ اش م (تکواژ صفر) - کرد واژه‌بست اش م=بلند

— ستاک گذشته فعل بسیط متعدی، قبل از شناسه‌های مطابقه مفعولی:

(۵۳) دیدمتان.

dit=meni.

۲ اش ج - میانجی - واژه‌بست اش ج=دید

— ضمیر مفعولی جدا:

(۵۴) تو را دیدم.

te=m di(t).

دید واژه‌بست اش م=تو را

— پس از مفعول حرف اضافه:

(۵۵) من از تو گرفتم.

vešā=t=am esse.

گرفت واژه‌بست ۱ ش م = پی‌بست ۲ ش م = از

— نکته تکمیلی: با برخی فعل‌های کمکی و فعل‌های ساده لازم در زمان حال، آینده و

گذشته (نمونه‌های ۵۶ تا ۶۳):

(۵۶) می‌خواهید بروید.

mi-t=et be-ša.

۲ ش م - رو - التزامی واژه‌بست ۲ ش م = خواه - اخباری

(۵۷) آنها می‌ترسند.

ošu=še me-tersi.

ترس - اخباری واژه‌بست ۳ ش ج = آنها

(۵۸) کتاب دارم.

ketāb=am he.

دار واژه‌بست ۱ ش م = کتاب

(۵۹) می‌گریستم.

mi=m-gereyi.

گریست - واژه‌بست ۱ ش م = اخباری

(۶۰) می‌خندیدم.

mi=m-xani.

خندید - واژه‌بست ۱ ش م = اخباری

(۶۱) توانستید بروید.

tunes=te be-ši.

۲ ش ج - رو - التزامی واژه‌بست ۲ ش ج = توانست

(۶۲) من می‌توانستم.

me=m mi-tunes.

توانست - اخباری واژه‌بست ۱ ش م = من

— با فعل داشتن در زمان گذشته:

(۶۳) کتاب داشتم.

ketāb=am bi.

داشت واژه‌بست ۱ ش م = کتاب

— بعد از جزء غیر فعلی فعل مرکب در ساخت گذشته التزامی:
(۶۴) نصیحت کرده باشی.

nesihat=et kerde bu

باش کرده واژه بست ۲ ش م=نصیحت

— بعد از جزء غیر فعلی فعل مرکب در ساخت ماضی بعید:
(۶۵) نصیحت کرده بودیم.

nesihat=me kerde bi

بود کرده واژه بست ۱ ش ج=نصیحت

— پرسش واژه:

(۶۶) چی خریدند؟

tse=še xeri.

خریدد واژه بست ۳ ش ج=چی

— ضمیر اشاره:

(۶۷) این را گفتیم.

ye=me gā.

گفتد واژه بست ۱ ش ج=این

— اسم مرکب در نقش فاعل جمله:

(۶۸) تو و حسن چی گفتید؟

to=o Hasan=te tse gā.

گفتد چی واژه بست ۲ ش ج=حسن و تو

— بعد از ضمایر فاعلی:

(۶۹) من کتاب خواندم.

Me=m ketāb xond.

خواند کتاب واژه بست ۱ ش م=من

— پرسش واژه در ساخت آینده با فعل خواستن:

(۷۰) چه می خواهی؟

tse=t mi.

خواه واژه بست ۲ ش م=چی

— بعد از ضمیر تأکیدی و پی‌بست ملکی در گذشته:

(۷۱) خودم گفتم.

xo=m=am gā.

گفت واژه‌بست اش م=پی‌بست ملکی=خود

— در پایان ستاک گذشته فعل متعدی پیش‌آیند شده:

(۷۲) به مینا دادیم؟

dā=me a mina.

مینا به واژه‌بست اش ج=داد

— بعد از مفعول صریح چنانچه اولین سازه جمله باشد:

(۷۳) خانه را خریدم.

xuna=m xeri.

خرید واژه‌بست اش م=خانه

— در جزء پیشین فعل مرکب، بعد از واژه‌بست مفعولی:

(۷۴) نصیحتشان کردیم.

nesihat=še=me ke.

کرد واژه‌بست اش ج=واژه‌بست اش ج=نصیحت

— بعد از نشانه معرفه اسم:

(۷۵) آن مرد غذا خورد.

mard-eku=š qazā xa.

خورد غذا واژه‌بست اش م=معرفه-مرد

— بعد از نشانه جمع:

(۷۶) مگس‌ها علی را نیش زدند.

peše-hā=še Ali nišze.

زد نیش علی واژه‌بست اش ج=نشانه جمع-مگس

— بعد از پی‌بست ملکی:

(۷۷) دختران من کتاب خریدند.

doter-un-e=me=še ketāb esse.

خرید کتاب واژه‌بست اش ج=پی‌بست ملکی اش م/ج=اضافه - نشانه جمع - دختر

— بعد از پیشوند فعل:

(۷۸) می دیدیمشان.

mi=me dit-en.

۳ش ج - دید واژه‌بست ۱ش ج=اخباری

— بعد از قید در بند موصولی (در این صورت واژه‌بست به موصول اضافه نمی‌شود):

(۷۹) تو که دیروز کتاب خریدی نیامدی.

te ke dig=et ketāb xeri ne:-med-a.

۲ش م - آمد - نشانه نفی خرید کتاب واژه‌بست ۲ش م=دیروز که تو

۸. پی‌بست‌ها یا واژه‌بست‌های ملکی و جای آنها

پی‌بست‌های ملکی در بهبهانی بعد از اسم به‌کار می‌روند و بسته به اینکه در ترکیب با اسم، به‌تنهایی و یا در جمله بیان شوند، صورت‌های متفاوتی دارند که عبارت‌اند از:

۱.۸. پی‌بست‌های ملکی جدول ۸، صرفی هستند و به‌تنهایی با اسم صرف می‌شوند. این پی‌بست‌ها در صیغه‌های مفرد، بعد از واژه پایانی اسم، به‌صورت‌های /š/ =t/ =m تلفظ می‌شوند. در مثال (۸۰)، اسم به همخوان و در نمونه (۸۱)، صورت جمع آن، به واژه پایان می‌یابد. پی‌بست‌های فوق به‌لحاظ صوری و صرفی، شبیه به واژه‌بست‌های صرفی فعل‌های ساده متعدی و مثبت در زمان گذشته ساده هستند (جدول ۵).

جدول ۸: پی‌بست‌های صرفی ملکی با اسم

	مفرد	جمع
اول شخص	=(a)m	=mā
دوم شخص	=(e)t	=tā
سوم شخص	=(e)š/ =(e)y/ e:	=šā

(80) ketāb= šā / ketāb=tā / ketāb=mā / ketāb=ey / ketāb=et / ketāb=am

(81) ketābā= šā / ketābā=tā / ketābā=mā / ketābā=y / ketābā=t / ketābā=m

۲.۸. چنانچه پی‌بست‌های ملکی به‌لحاظ نحوی در جمله بیان شوند، بسته به اینکه اسم قبل

از آنها به واکه یا همخوان پایان یابد، به دو صورت زیر نمود می‌یابند:
۱.۲.۸. پس از اسم‌های مختوم به واکه، صورت‌های مفرد و جمع مشابه هستند.

جدول ۹: پی‌بست‌های نحویِ ملکی با اسم‌های مختوم به واکه

	مفرد	جمع
اول شخص	=me	=me
دوم شخص	=te	=te
سوم شخص	=še	=še

(۸۲) عمومی ام / عمومی مان را می‌بینیم.

o:mu=me me-bin-im.

اش ج – بین – اخباری پی‌بست ملکی اش ج/م=عمو

(۸۳) خاله‌اش / خاله‌شان می‌آید.

āla=še mi-ø.

اش م (تکواژ صفر) آی – اخباری واژه‌بست اش م/ج=خاله

در مثال (۸۲)، پی‌بست ملکی اول شخص مفرد و اول شخص جمع، شکل ثابتی دارد. در مثال (۸۳) نیز، وضعیت به همین گونه است. گفتنی است که فعل می‌آید در بهبهانی در سوم شخص مفرد، شناسه صفر دارد و واکه *i*، ترکیبی از واکه‌های پیشوند اخباری و ریشه فعل است.

۲.۲.۸. پی‌بست‌های ملکی جدول ۱۰ که شبیه واژه‌بست‌های فاعلی و مفعولی جدول ۷ هستند، پس از اسم‌های مختوم به همخوان در جمله ظاهر می‌شوند.

جدول ۱۰: پی‌بست‌های نحویِ ملکی اسم‌های مختوم به همخوان

	مفرد	جمع
اول شخص	=am	=me
دوم شخص	=et	=te
سوم شخص	=eš/ =ey	=še

(۸۴) پسر م آمد.

pos=am ame.

آمد پی بست ملکی اش م=پسر

(۸۵) پسرمان کتاب را می‌بیند.

pos=me ketāb-aku mi-bi.

بین - اخباری معرفه - کتاب پی بست ملکی اش ج=پسر

۹. نتیجه‌گیری

در این مقاله با شناسه‌های فعلی، واژه‌بست‌های فاعلی و مفعولی، ملکی و واژه‌بست‌های صرفی فعلی آشنا شدیم. شناسه‌های فعلی در نظام مطابقه دوگانه در بهبهانی، هم در نقش فاعلی (در الگوی مطابقه فاعلی - مفعولی)، و هم در نقش مفعولی در رده گنایی - مطلق (الگوی مطابقه غیرفاعلی - مفعولی)، نقش نحوی دارند و به صورت اجباری، به ستاک فعل اضافه می‌شوند. واژه‌بست‌های فعلی جدول‌های ۵ و ۶، به ترتیب، در صرف افعال متعدی ساده در زمان گذشته ساده و اسم مفعول افعال ساده متعدی در زمان ماضی نقلی به کار می‌روند، چنانچه فعل یا اسم مفعول، تنها سازه جمله خبری یا پرسشی در حالت مثبت باشد.

در الگوی اول مطابقه در بهبهانی، فاعل فعل‌های لازم در تمام زمان‌های دستوری و فاعل فعل‌های متعدی در زمان حال، در شناسه‌های فعلی بازنمایی می‌شوند، و از این حیث، بهبهانی شبیه فارسی معاصر است. در این الگو می‌توان فاعل‌های اسمی و ضمیری را به اختیار حذف کرد. همچنین، در صورت حذف مفعول اسمی یا ضمیری، مطابقه با مفعول محذوف، به صورت غیر مستقیم، از طریق واژه‌بست‌های مفعولی صورت می‌گیرد.

در الگوی دوم مطابقه، فاعل بند متعدی (A)، همیشه، از طریق واژه‌بست‌های فاعلی که به اولین سازه جمله اضافه می‌شوند، بازنمایی می‌شود. اما برای بازنمایی مفعول، سه روش وجود دارد. روش اول که نشانگر رده سه‌بخشی است، مفعول به صورت اسم یا ضمیر شخصی جدا، ظاهر می‌شود، و فعل به صورت ستاک گذشته و بدون شناسه است. روش دوم

که کُنایی - مطلق نامیده می‌شود، مفعول محذوف از طریق شناسه‌های فعلی نمود می‌یابد و در روش سوم که ردهٔ واژه‌بست مضاعف را به دست می‌دهد، هم مفعول و هم فاعل به‌ترتیب از طریق واژه‌بست‌های مفعولی و فاعلی ظاهر می‌شوند و فعل متعدی به‌صورت ستاک گذشته ظاهر می‌شود. در الگوی دوم مطابقت، واژه‌بست‌های فاعلی به اولین سازهٔ جمله اضافه می‌شوند.

در هر دو الگوی مطابقت، در بازنمایی فاعل فعل لازم (S)، فاعل فعل متعدی (A) و مفعول فعل متعدی (P/O) در جمله، اسم یا ضمیر جدا، شکل ثابت یا خنثی دارند. بر اساس داده‌های موجود، پی‌بست‌های ملکی در بهبهانی، به‌لحاظ صرفی، نحوی و آوایی، گونه‌های متفاوتی دارند. جدول ۸، صورت صرفی پی‌بست‌های مذکور، و جدول‌های ۹ و ۱۰ صورت‌های نحوی آنها را، در ترکیب با اسم نشان می‌دهد.

منابع

- حامدی شیروان و همکاران، ۱۳۹۴ الف، «بررسی و توصیف واژه‌بست‌های ضمیری در گویش بهبهانی»، جستارهای زبانی، ۷، ش ۴، ص ۱۲۵-۱۴۸.
- _____، ۱۳۹۴ ب، «بررسی و توصیف حالت‌نمایی در چهار گویش فارسی خوزستان از منظر رده‌شناسی زبان»، فصلنامهٔ مطالعات زبان‌ها و گویش‌های غرب ایران، ۲، ش ۸، ص ۱-۲۳.
- دبیرمقدم، محمد، ۱۳۹۲، رده‌شناسی زبان‌های ایرانی، ۲ ج، تهران.
- راستی بهبهانی، امین، ۱۳۹۱، «بهبهانی؛ گویش یا لهجه؟ (بررسی ساختار صرفی فعل در زبان محلی بهبهانی)»، فصلنامهٔ ادبیات و زبان‌های محلی ایران زمین، ۲، ش ۳، ص ۶۱-۸۴.
- راسخ‌مهند، محمد، ۱۳۸۶، «مفعول‌نمایی افتراقی در زبان‌های ایرانی»، گویش‌شناسی، ش ۶، ص ۲-۳۲.
- _____، ۱۳۹۲، «مطابقت با مبتدا»، مجموعه مقالات نخستین هم‌اندیشی زبان‌های ایرانی، به کوشش مهرداد نغزگوی کهن، تهران، ص ۹۳-۱۰۸.
- سامانهٔ مرکز آمار ایران، ۱۳۹۰.
- کریمی، یادگار، ۱۳۹۲، «مطابقت در نظام کُنایی (ارگتیو) زبان‌های ایرانی: رقابت واژه‌بست و وند الف»، پژوهش‌های زبان‌شناسی، ش ۴، ص ۱-۱۸.
- گرامی، شهرام، ۱۳۸۵، «توصیف دستگاه فعل در گویش بهبهانی»، مجلهٔ علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه

شیراز، ۲۳، ش ۱، ص ۱۰۸-۱۲۶.

Comrie, B., 1978, "Ergativity", *Syntactic Typology: Studies in the Phenomenology of Language*, ed. W. Lehmann, Sussex, pp. 329-394.

_____, 1989, *Language Universals and Linguistic Typology* (second edition), Chicago.

Dixon, R. M. W., *Ergativity*, Cambridge.

